

# چوب

۱ یک روز آقا موشه، چند تکه چوب و تخته به خانه آورد.

می‌خواهم برایت میز و  
صندلی درست کنم



۲ چه خبره؟!  
داری چه کار می‌کنی؟

شوهرم می‌خواهد برایم  
میز و صندلی بسازد



۳ شنگول خان پرید توی حیاط.

من هم بلام میز و  
صندلی بسازم

اگر راست می‌گویی  
بساز ببینم!



۴ شنگول خان آره‌ی آقا موشه را برداشت و ...

ا... آره‌ی من را کجا  
می‌بری؟

می‌خواهم بروم  
چوب بیاورم



شنگول خان از درخت بالا رفت.

۵

۶

شاخه‌ی درخت را از ته  
نکن... گناه دارد

نرو بالا...  
می‌افتی ها!

وای! وای! وای! وای! وای! وای!

۸

تترق...

۷

خِر... خِر... خِر...

خِر... خِر... خِر...